سه‌شنبه ۱۲ آبان ۱۴۰۵
۲۳ جمادی‌الاول ۱۴۴۸ ۳ نوامبر ۲۰۲۶
سال بیست و چهارم. شماره ۶۶۹۸

روزنامه صبح ایران
دنیای اقتصاد
گروه سیاستگذاری و اقتصاد کلان
۵۲۱۸۹۳۶۳
khabar@den.ir

شرکت‌های آمریکایی برای کمبود متخصصان مشاغل فنی، راهکار جدیدی پیدا کرده‌اند

## افزایش سهم زنان در مشاغل فنی



**دنیای اقتصاد:** بازار کار مشاغل فنی و مهارتی که سال‌ها تحت سلطه مردان بوده، به‌تدریج شاهد افزایش حضور زنان است. به گزارش وال استریت ژورنال، دستمزدهای بالا، تقاضای فزاینده برای نیروی کار متخصص و تغییر ماهیت این مشاغل، زنان بیشتری را به سمت حرفه‌هایی مانند جوشکاری، برق کاری، تعمیر خودرو و ساخت‌وساز سوق داده است. همزمان، شرکت‌ها برای جذب و حفظ نیروی کار زن، به اصلاح شرایط کاری، ارائه مزایای جدید و مقابله با تبعیض‌های جنسیتی روی آورده‌اند. با وجود این تحولات، موانعی مانند فرهنگ مردسالارانه محیط‌های کاری، آزارهای جنسیتی و نبود امکانات متناسب با نیازهای زنان همچنان پابرجاست.

آمارهای دولتی آمریکا نشان می‌دهد زنان همچنان سهم کوچکی از نیروی کار مشاغل فنی و مهارتی را تشکیل می‌دهند. سال گذشته حدود ۴٫۴ درصد از شاغلان حوزه‌هایی مانند ساخت‌وساز، نصب و تعمیر تجهیزات، لوله‌کشی، نجاری و تعمیر خودرو زن بودند. با این حال، این سهم در یک دهه گذشته حدود ۲٫۹ درصد بوده است.

یکی از عوامل موثر در این تغییر، تحول فناوری در مشاغل فنی است. به گفته کیتی یوریک، مدیر خدمات شغلی موسسه فنی یونیورسال، بسیاری از این حرفه‌ها دیگر صرفا به توان جسمانی وابسته نیستند و مهارت‌های تحلیلی، دانش فنی و توجه به جزئیات در آنها اهمیت بیشتری پیدا کرده است. برای مثال، تعمیرکاران خودرو اکنون از رایانه برای تشخیص مشکلات فنی استفاده می‌کنند و حرفه‌هایی مانند جوشکاری و برق کاری نیز به دقت و تمرکز بالایی نیاز دارند. این تغییرات باعث شده است مشاغل فنی برای زنان جذاب‌تر شوند. برخی کارفرمایان نیز معتقدند زنان به دلیل دقت و بلوغ حرفه‌ای می‌توانند نیروی کار مناسبی برای این حوزه‌ها باشند. آمارهای موسسه فنی یونیورسال این روند را تایید می‌کند. سهم زنان از کل دانشجویان این موسسه که در ۱۷ پردیس آموزشی در آمریکا فعالیت می‌کند، طی پنج سال چهار برابر شده و به ۸ درصد رسیده است. در رشته‌هایی مانند تعمیر بدنه خودرو و رنگ‌آمیزی مجدد آن، این سهم حتی به ۱۹ درصد می‌رسد.

### کمبود نیروی کار و سیاست‌های جدید شرکت‌ها

افزایش تقاضا برای نیروی کار متخصص نیز یکی از عوامل اصلی گسترش فرصت‌های شغلی زنان است. شرکت‌های ساختمانی برای پاسخگویی به رشد فعالیت‌های خود به نیروی انسانی بیشتری نیاز دارند و به همین دلیل، جذب زنان را به بخشی از راهبردهای استخدامی خود تبدیل کرده‌اند. شرکت ساختمانی مورتنسون نمونه‌ای از این تغییر رویکرد است. مایا اریکسن، معاون اجرایی این شرکت، می‌گوید بیش از ۱۰ درصد نیروی کار ماهر مورتنسون را زنان تشکیل می‌دهند؛ درحالی که این سهم یک دهه پیش حدود ۷ درصد بود. این شرکت از سال ۲۰۲۴ برای مادرانی که صاحب فرزند می‌شوند، ۱۲ هفته مرخصی با حقوق در نظر گرفته است. اریکسن معتقد است مشاغل مهارتی از جمله حرفه‌هایی هستند که در برابر جایگزینی با هوش مصنوعی مقاومت بیشتری دارند و در آینده نیز به نیروی انسانی نیاز خواهند داشت. از این منظر، جذب زنان علاوه بر ایجاد فرصت‌های شغلی برابر، راهی برای تامین نیروی انسانی مورد نیاز صنایع محسوب می‌شود.

شرکت ترنر کانستراکشن نیز با افزایش فعالیت‌های خود به دنبال جذب نیروی کار بیشتر است. درآمد این شرکت در سال گذشته به ۲۹ میلیارد دلار رسید و پیش‌بینی می‌شود امسال به حدود ۳۵ میلیارد دلار افزایش یابد. توسعه پروژه‌های مرتبط با مراکز داده از عوامل رشد فعالیت‌های شرکت است. رئیس این مجموعه، ابرار شریف، تاکید می‌کند که صنعت ساختمان برای پاسخگویی به تقاضای فزاینده باید افراد بیشتری را جذب کند و شرایط کاری مناسب‌تری فراهم آورد.

### انعطاف‌پذیری و امکانات رفاهی

یکی از مهم‌ترین موانع اشتغال زنان در مشاغل فنی، دشواری ایجاد تعادل میان مسوولیت‌های شغلی و خانوادگی است. به همین دلیل، برخی شرکت‌ها به سمت انعطاف‌پذیرتر کردن ساعات و شیوه انجام کار حرکت کرده‌اند. کیم گاردنر، مهندس پروژه ۳۹ ساله در کارولینای شمالی، نمونه‌ای از این تغییرات است. او که مادر سه فرزند، از جمله نوزادی پنج‌ماهه است، صبح‌ها در محل پروژه حضور دارد و بعدازظهرها از راه دور کار می‌کند. گاردنر معتقد است این انعطاف‌پذیری به او امکان می‌دهد بدون کنار گذاشتن مسوولیت‌های خانوادگی، فعالیت حرفه‌ای خود را ادامه دهد. شرکت‌ها همچنین در حال بهبود امکانات رفاهی کارگاه‌ها هستند. سرویس‌های بهداشتی مجهز به آب جاری، سیستم گرمایش و سرمایش و استراحتگاه‌های تمیزتر از جمله اقداماتی هستند که برای بهبود تجربه کاری کارکنان در نظر گرفته شده‌اند.

این امکانات به‌ویژه برای جذب و حفظ نیروی کار زن اهمیت دارند. مساله دیگر، تناسب تجهیزات ایمنی با نیازهای جسمانی زنان است. شرکت ساختمانی اسکانسکا برای رفع این مشکل، تامین دستکش، کلاه ایمنی و کفش کار در اندازه مناسب زنان را در دستور کار قرار داده است. دیلا ری، جوشکار سابق و معلم کنونی این حرفه، می‌گوید در ابتدای فعالیت خود مجبور بوده دستکش‌های بزرگ را با استفاده از حرارت کوچک کند. این تجربه نشان می‌دهد بسیاری از تجهیزات محیط‌های کاری از ابتدا بر اساس نیازهای مردان طراحی شده‌اند.

با وجود بهبود شرایط استخدامی، فرهنگ مردانه حاکم بر بسیاری از کارگاه‌ها همچنان مانعی جدی برای حضور زنان است. برخی شرکت‌ها برای مقابله با این مساله، سیاست‌های سخت‌گیرانه‌تری در برابر آزارهای کلامی و رفتارهای تبعیض‌آمیز اتخاذ کرده‌اند. در شرکت ترنر، مدیران ارشد موظف‌اند حداکثر چهار ساعت پس از گزارش یک حادثه، درباره آن جلسه برگزار کنند. در یکی از موارد اخیر در تگزاس، پس از آنکه یک پیمانکار نتوانست فرد مسوول نوشتن مطالب توهین‌آمیز درباره کارکنان زن را شناسایی کند، تمام اعضای گروه اجرایی حدودا ۱۲ نفره او از پروژه کنار گذاشته شدند. با این حال، ایجاد محیط کاری برابر صرفا با مقابله با رفتارهای توهین‌آمیز امکان‌پذیر نیست. ربکا هیوستس، سرپرست ۴۲ ساله کاشی کاری در داکوتای جنوبی، می‌گوید حتی پس از ۲۰ سال فعالیت در این حرفه، همچنان با مردانی مواجه می‌شود که رفتار تحقیرآمیز دارند یا به دستورهای کاری او توجه نمی‌کنند. به اعتقاد او، رفتارهای ظاهرا کوچک و روزمره نیز می‌توانند محیط کار را برای زنان ناخوشایند کنند. در سطح سیاستگذاری عمومی نیز برخی ایالت‌های آمریکا اقداماتی برای بهبود شرایط زنان در صنعت ساختمان انجام داده‌اند. ایالت‌های واشنگتن و ایلینوی قوانینی تصویب کرده‌اند که کارفرمایان را به ایجاد اتاق‌های مخصوص شیردهی، تامین یخچال برای نگهداری شیر مادر، تنظیم زمان استراحت انعطاف‌پذیر و فراهم کردن دسترسی به آب برای نظافت ملزم می‌کند.

آخرین وضعیت رشد پول، نقدینگی و پایه پولی در شهریور سال جاری بررسی شد

# متغیرهای پولی در نیمسال اول

علیرضا کتانی
دنیای اقتصاد

براساس داده‌های اختصاصی رسیده به «دنیای اقتصاد»، رشد نقطه‌به‌نقطه پایه پولی در شهریورماه امسال به ۸۹٫۹ درصد رسیده است. اکنون بیش از هفت ماه است که جزئیات آمارهای پولی توسط بانک مرکزی به صورت رسمی اعلام نشده است؛ با این حال، در صورتی که رشد نقطه‌به‌نقطه پایه پولی از فروردین تا مردادماه امسال کمتر از ۸۹٫۹ درصد بوده باشد، رشد نقطه‌به‌نقطه این متغیر در شهریورماه ۱۴۰۵ به بالاترین میزان تاریخی خود رسیده است. براساس پژوهش انجام شده توسط صندوق بین المللی پول در رابطه با اقتصاد ایران، یک درصد افزایش پایه پولی، می‌تواند منجر به ۰٫۵ درصد تورم در اقتصاد ایران شود.

پایه پولی یکی از مهم‌ترین متغیرهای تعیین کننده در تحولات پولی و تورمی اقتصاد است. این متغیر که از اسکناس و مسکوک در دست اشخاص، سپرده‌های بانک‌ها نزد بانک مرکزی و اسکناس و مسکوک نزد بانک‌ها تشکیل می‌شود، در واقع مبنای ایجاد بخش بزرگی از نقدینگی در نظام بانکی است. از همین رو، تغییرات آن می‌تواند از مسیر ضریب فزاینده پولی به رشد نقدینگی و در نهایت افزایش سطح عمومی قیمت‌ها منجر شود.

### رکوردشکنی پایه پولی

براساس داده‌های رسیده به «دنیای اقتصاد»، رشد نقطه‌به‌نقطه پایه پولی در شهریورماه ۱۴۰۵ به ۸۹٫۹ درصد رسیده است. این رقم در شرایطی ثبت شده که بیش از هفت ماه است بانک مرکزی جزئیات آمارهای پولی را به‌صورت رسمی منتشر نکرده است. در نتیجه، امکان بررسی منظم و دقیق روند متغیرهای پولی و شناسایی عوامل موثر بر تغییرات آنها برای پژوهشگران و تحلیلگران اقتصادی محدود شده است.

با این حال، اهمیت رقم ثبت‌شده برای پایه پولی زمانی بیشتر مشخص می‌شود که بدانیم در صورت کمتر بودن رشد نقطه‌به‌نقطه این متغیر در ماه‌های فروردین تا مرداد از ۸۹٫۹ درصد، رشد پایه پولی در شهریورماه به بالاترین میزان تاریخی خود رسیده است. بنابراین، حتی بدون دسترسی به تمام جزئیات آماری ماه‌های گذشته، رقم شهریورماه نشانه‌ای جدی از تشدید فشارهای پولی در اقتصاد ایران محسوب می‌شود.

اهمیت این موضوع صرفا به افزایش یک شاخص پولی محدود نیست. براساس پژوهشی که صندوق بین المللی پول درباره اقتصاد ایران انجام داده است، یک درصد افزایش در پایه پولی می‌تواند به افزایش ۰٫۵ درصدی تورم منجر شود. این یافته نشان می‌دهد رابطه میان پایه پولی و تورم در اقتصاد ایران از اهمیت بالایی برخوردار است و رشد سریع این متغیر می‌تواند در صورت تداوم، آثار قابل توجهی بر سطح عمومی قیمت‌ها برجای بگذارد. البته میزان و زمان انتقال این اثر به تورم به عواملی مانند وضعیت تولید، انتظارات تورمی، شرایط بازار ارز و رفتار نظام بانکی نیز بستگی دارد.

### سه عامل موثر بر رشد پایه پولی

یکی از پرسش‌های مهم درباره رشد ۸۹٫۹ درصدی پایه پولی در شهریورماه، شناسایی عوامل اصلی ایجادکننده آن است. بررسی تحولات پولی نشان می‌دهد دست‌کم سه عامل می‌توانند در توضیح افزایش قابل‌توجه این متغیر نقش داشته باشند. نخستین عامل، افزایش نرخ ذخیره قانونی بانک‌ها و اضافه‌برداشت آنها از منابع بانک مرکزی است. افزایش نرخ ذخیره قانونی به این معناست که بانک‌ها باید سهم بیشتری از سپرده‌های خود را نزد بانک مرکزی نگهداری کنند. این اقدام، در صورت افزایش نیاز بانک‌ها به منابع بانک مرکزی، می‌تواند زمینه‌ساز افزایش اضافه‌برداشت و رشد پایه پولی شود.

عامل دوم، خرید ارز از سوی بانک مرکزی است. هنگامی که بانک مرکزی ارز خریداری می‌کند و در مقابل آن معادل ریالی در اختیار فروشنده قرار می‌دهد، در صورت عدم انجام عملیات خنثی‌سازی، پایه پولی افزایش پیدا می‌کند. همچنین نرخ دلار رسمی با افزایش روبه‌رو شده است که این امر می‌تواند منجر به افزایش خالص ذخایر خارجی بانک مرکزی شود.

عامل سوم نیز احتمالا افزایش استقراض دولت از بانک مرکزی است. در شرایطی که منابع بودجه‌ای دولت با محدودیت مواجه می‌شود و فاصله میان درآمدها و هزینه‌ها افزایش پیدا می‌کند، فشار برای تامین مالی از منابع بانک مرکزی می‌تواند بیشتر شود. تامین مالی مستقیم یا غیرمستقیم کسری بودجه از این مسیر، در صورت تحقق، به افزایش پایه پولی منجر خواهد شد.

بدون انتشار جزئیات ترازنامه بانک مرکزی و اجزای پایه پولی نمی‌توان سهم دقیق هر یک از این عوامل را در رشد شهریورماه مشخص کرد. به همین دلیل، نمی‌توان با قطعیت گفت کدام عامل بیشترین نقش را در افزایش پایه پولی داشته است. انتشار اطلاعات مربوط به خالص مطالبات بانک مرکزی از دولت، مطالبات از بانک‌ها، خالص دارایی‌های خارجی و سایر اقلام موثر بر پایه پولی می‌تواند تصویر روشن‌تری از منشأ رشد این متغیر ارائه دهد.

### رشد پول و تغییر ترکیب نقدینگی

در کنار رشد پایه پولی، آمار مربوط به رشد پول نیز از تحولات قابل توجه نیمه نخست سال حکایت دارد. رشد نقطه‌به‌نقطه پول در شهریورماه به ۶۳٫۳ درصد رسیده است. این نسبت، در صورت کمتر بودن رشد این متغیر در ماه‌های پیشین، بالاترین میزان دست‌کم از سال ۱۳۹۰ تاکنون محسوب می‌شود. نقدینگی از دو جزء اصلی پول و شبه‌پول تشکیل می‌شود. پول شامل اسکناس و مسکوک در دست اشخاص و سپرده‌های دیداری است، درحالی که شبه‌پول عمدتا سپرده‌های غیردیداری و مدت‌دار را در بر می‌گیرد. تفاوت این دو جزء از نظر قابلیت استفاده در معاملات روزمره اهمیت دارد. پول به‌دلیل نقدشوندگی بیشتر، با سرعت و سهولت بالاتری می‌تواند وارد چرخه معاملات و مبادلات اقتصادی شود. در مقابل، شبه‌پول معمولا به‌سپرده‌هایی گفته می‌شود که برای تبدیل شدن به ابزار پرداخت، نیازمند طی کردن مراحل بیشتری هستند.

بر همین اساس، افزایش سهم پول از نقدینگی می‌تواند نشانه‌ای از تغییر رفتار سپرده‌گذاران و تمایل بیشتر آنها به نگهداری دارایی‌های نقدشونده باشد. بررسی‌ها نشان می‌دهد از پایان سال گذشته تا پایان شهریورماه، رشد نقدینگی برابر با ۲۰٫۷ درصد، تورم بانک مرکزی برابر با ۳۹٫۱ درصد و رشد پایه پولی برابر با ۳۸٫۷ درصد بوده است. براساس داده‌های شهریورماه، سهم پول از کل نقدینگی به ۲۶٫۸ درصد رسیده است. همچنین براساس داده‌های موجود، رشد نقطه‌به‌نقطه نقدینگی در شهریور ماه ۵۱٫۶ درصد بوده، درحالی که تورم نقطه‌به‌نقطه براساس آمار بانک مرکزی به ۸۳٫۸ درصد رسیده است. این فاصله نشان می‌دهد افزایش سطح عمومی قیمت‌ها با سرعتی به‌مراتب بیشتر از رشد حجم نقدینگی اتفاق افتاده است. هنگامی که نرخ تورم و نرخ ارز با سرعتی بیشتر از رشد نقدینگی افزایش پیدا می‌کنند، می‌توان این وضعیت را نشانه‌ای از افزایش شدت تورم‌زایی نقدینگی دانست. به عبارت دیگر، نقدینگی موجود می‌تواند با سرعت بیشتری به بازارهای دارایی و کالا منتقل شود و اثر قیمتی بزرگ‌تری ایجاد کند.

### اهمیت انتشار منظم آمارهای پولی

در کنار بررسی ارقام و تحولات پولی، یکی از مسائل مهم در وضعیت کنونی اقتصاد ایران، توقف انتشار منظم جزئیات آمارهای پولی از سوی بانک مرکزی است. اکنون بیش از هفت ماه است که اطلاعات رسمی مربوط به متغیرهای پولی با جزئیات لازم منتشر نشده است. این در حالی است که در شرایط افزایش نااطمینانی و نوسانات اقتصادی، دسترسی به داده‌های دقیق و به‌روز اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

ممکن است این تصور وجود داشته باشد که انتشار آمارهای پولی در شرایط حساس اقتصادی، از طریق ایجاد نگرانی در میان مردم، به تشدید انتظارات تورمی منجر شود. با این حال، باید توجه داشت که آمارهایی مانند پایه پولی، نقدینگی، پول و شبه‌پول، بیش از آنکه برای عموم جامعه قابل استفاده مستقیم باشند، ابزار تحلیل متخصصان و کارشناسان اقتصادی محسوب می‌شوند. بخش عمده جامعه نیز تحولات اقتصادی را نه از طریق بررسی جداول پولی بانک مرکزی، بلکه از مسیر متغیرهایی مانند نرخ ارز، قیمت کالاها و هزینه‌های زندگی درک می‌کند.

انتشار منظم این آمارها به متخصصان امکان می‌دهد منشأ تحولات پولی را شناسایی کنند، سهم عوامل مختلف را در افزایش پایه پولی بسنجند و درباره پایداری روندهای موجود ارزیابی دقیق‌تری داشته باشند. برای مثال، در شرایط فعلی مشخص نیست چه میزان از رشد پایه پولی ناشی از افزایش اضافه‌برداشت بانک‌ها، چه میزان ناشی از خرید ارز و چه میزان مرتبط با تامین مالی دولت بوده است. انتشار جزئیات ترازنامه بانک مرکزی می‌تواند به روشن شدن این موضوع کمک کند.

از سوی دیگر، تصمیم‌گیران اقتصادی نیز برای انتخاب سیاست‌های مناسب به اطلاعات دقیق نیاز دارند. اگر بخش اصلی رشد پایه پولی ناشی از اضافه‌برداشت بانک‌ها باشد، اصلاح وضعیت ترازنامه‌ای بانک‌ها و نظارت بر خلق اعتبار اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. اگر خرید ارز عامل اصلی باشد، نحوه مدیریت آثار ریالی آن و استفاده از ابزارهای خنثی‌سازی پولی باید در اولویت قرار گیرد. همچنین اگر تامین مالی دولت از منابع بانک مرکزی سهم بالایی داشته باشد، اصلاح ساختار بودجه و کاهش وابستگی به منابع پولی اهمیت بیشتری خواهد یافت.

# بحران انجماد و ملاکی در شبکه بانکی



سیدرضا راستی‌الحسینی
کارشناس اقتصادی

پدیده بنگاه‌داری و ملاکی در نظام بانکی کشور به یکی از ریشه‌ای‌ترین موانع در برابر جریان روان اعتبار و تامین مالی بخش واقعی تولید تبدیل شده است. بررسی روندهای سیاستگذاری اقتصادی طی دو دهه اخیر نشان می‌دهد که ورود بانک‌ها به حوزه خرید زمین، ساختمان و املاک تجاری، نه از سر تفنن، بلکه معلول ترکیبی از ساختارهای معیوب اقتصادی، تورم ساختاری و سیاست‌های دستوری بوده است. هنگامی که نرخ سود تسهیلات به صورت دستوری تعیین می‌شود و با نرخ تورم واقعی فاصله معناداری پیدا می‌کند، و از سوی دیگر ریسک نکول تسهیلات در بخش تولید به شدت بالا می‌رود، بانک‌ها به طور غریزی ترجیح می‌دهند منابع نقد خود را به جای اعطای وام به بخش مولد، به سمت خرید دارایی‌های امن و تورم‌پذیر ملکی هدایت کنند. این رویکرد به مرور زمان ترازنامه بانک‌ها را از نقدینگی تهی کرده و آنها را به انبارداران بزرگ املاک تبدیل کرده است.

تازه‌ترین گزارش‌های نظارتی و داده‌های رسمی منتشره از سوی مراجع پولی نشان می‌دهد که ارزش روز کل املاک و مستغلات در اختیار شبکه بانکی از مرز یک‌هزار همت فراتر رفته است. این رقم نجومی که نشان‌دهنده رکوردشکنی پدیده ملاکی در تاریخ بانکی کشور است، گویای آن است که حجم عظیمی از سرمایه ملی در قالب ساختمان‌های اداری مجلل، زمین‌های بایر و املاک تجاری محبوس شده و کارکرد اصلی واسطه‌گری مالی بانک‌ها را فلج کرده است. ترکیب این دارایی‌های منجمد در چند بانک بزرگ نیمه‌دولتی متمرکز شده و سهم غالب آن در اختیار تعدادی اندک از این موسسات است؛ به طوری که نیمی از کل ارزش املاک ملکی شبکه بانکی در ترازنامه اینها جای گرفته است. این تمرکز ناترازی، ابعاد بحران ساختاری نظام بانکی را عیان‌تر می‌سازد.

اما ابعاد این بحران زمانی تیره‌تر می‌شود که به پدیده کم‌اظهاری و پنهان‌سازی دفتری در برخی موسسات اعتباری نگاهی بیندازیم. بررسی‌ها نشان می‌دهد که تعدادی از بانک‌ها برای فرار از نظارت‌های قانونی و فشارهای مالیاتی، برای صدها و گاه هزاران فقره ملک تملیکی خود در دفاتر مالی قیمت‌های صوری و نمادین ثبت کرده‌اند. ثبت قیمت یک ریال برای املاک چندصدمیلیارد تومانی در ترازنامه برخی بانک‌های خصوصی و تجاری، نشان‌دهنده مقاومت پنهان ساختار مدیریتی در برابر شفافیت است. علاوه بر این، خودداری برخی بانک‌های بزرگ از انتشار اطلاعات شفاف املاک خود، نشان می‌دهد که ارقام رسمی اعلام‌شده تنها نوک کوه یخ بوده و حجم واقعی دارایی‌های ملکی حبس‌شده در سیستم بانکی به‌مراتب فراتر از اعداد ثبت‌شده است.

این حجم انبوه از دارایی‌های راکد و غیرمولد، به دو زبان حیات مالی شبکه بانکی را تحت فشار قرار داده است. از یک سمت، انجماد نقدینگی در قالب املاک، توان بانک‌ها در اعطای تسهیلات به خانوارها و واحدهای تولیدی را به‌شدت کاسته و کارکرد واسطه‌گری مالی را فلج کرده است. از سمت دیگر، این وضعیت برای بانک‌های ناتراز به بحران ساختاری سرمایه تبدیل شده است؛ به طوری که نسبت کفایت سرمایه تعدادی از این بانک‌ها از محدوده استاندارد استفاده‌ای پیموده به مناطق هشدارآمیز و منفی سقوط کرده است. در این بانک‌ها، منابع سپرده‌ای خطیر نه در پوشش ریسک تسهیلات مولد، بلکه در انباشت ساختمان‌ها و زمین‌های بایر قفل شده است و حساب سود و زیان آنها با هزینه‌های اداری نگهداشت املاک و بهره سپرده‌های کلان مسابقه را باخته است. چنین وضعیتی، شبکه بانکی را در آستانه بحران سیالیت و حتی ورشکستگی پنهان قرار داده است؛ بحرانی که تاکنون با اتکا به خطوط اعتباری مراجع پولی و اغماض از واقعیت ترازنامه‌ها به تعلیق موقت آن منجر شده است، اما قیمت این تعلیق را جامعه با رشد پایه پولی و تورم ساختاری هر سال می‌پردازد. تداوم این روند صرفا ثبت موقعیت ناترازها را تضمین می‌کند و هزینه فرصت آن را بر دوش بخش واقعی اقتصاد و آحاد جامعه می‌نهد.

شرایط به گونه‌ای متناقض به نظر می‌رسد که هرچه بانک‌ها بیشتر دارایی منجمد نگهداری کنند، قدرت اعتباری و تخصصی خود را بیشتر از دست می‌دهند. بانک به تعریف، واسطه‌گری مالی و مدیریت ریسک سپرده است، نه انباردار املاک و بنگاه‌دار. انباشت سرمایه در دارایی‌های غیرمولد، گواهی است بر فاصله روزافزون ابزار بانکی از عملکرد اصیل خود. این روند اگر بی‌درنگ متوقف و اصلاح نشود، در بلندمدت نه‌تنها نظام بانکی، بلکه انبوهی از سرمایه‌گذاران خردی که سپرده‌های خود را به این نظام امانت داده‌اند، متضرر خواهد کرد. به همین دلیل، فروش و پالایش این دارایی‌ها را کد به عنوان یک تکلیف حیاتی و ضامن اجرا، در صدر اولویت‌های اصلاح نظام بانکی کشور جای گرفته است.

### بن‌بست مزایده‌های سنتی و چرخه معیوب واگذاری

با وجود اینکه سال‌هاست قوانین متعدد، آیین‌نامه‌های گوناگون و دستورالعمل‌های سخت‌گیرانه‌ای برای وادار کردن بانک‌ها به فروش اموال مازاد تدوین و ابلاغ شده است، اما کارنامه عملیاتی این واگذاری‌ها نشان‌دهنده یک ناکامی ساختاری است. بررسی ریشه‌های این ناکامی نشان می‌دهد که موانع واگذاری، دارای دو لبه تیز است که هم فروشنده و هم خریدار را درگیر خود کرده است. از سمت بانک‌ها به عنوان فروشنده، مدیران اجرایی با هراس دائمی از پیگیری‌های نظارتی، بازرسی و دستگاه‌های قضایی مواجهند. قیمت‌گذاری کارشناسی املاک در یک بازار رکودی و پرنوسان، مدیران بانکی را نگران می‌کند که مبادا فروش ملک با تخفیف یا در فرآیند مزایده، اتهام ارزان‌فروشی و حیف و میل اموال عمومی را متوجه آنها سازد. همین ترس از مسوولیت حقوقی و کیفری باعث می‌شود بانک‌ها ترجیح دهند دارایی را کد را در ترازنامه حفظ کنند اما دست به ترکیب آن نزنند.

از سوی دیگر، در سمت خریدار نیز موانع بازدارنده‌ای وجود دارد که مزایده‌های بانکی را مکرر به بن‌بست می‌کشاند. ابهام در وضعیت حقوقی و اسنادی بسیاری از املاک تملیکی، عدم دسترسی متمرکز و شفاف به اطلاعات کامل املاک برای عموم سرمایه‌گذاران، و نبود نقدینگی کافی در بازار برای خرید نقدی املاک کلان متراژ موجب شده است که آگهی‌های مزایده بانک‌ها در روزنامه‌ها، خریدار موثر نداشته باشد. دستورالعمل‌های قبلی که بانک‌ها را مکلف می‌کرد املاک را صرفا از طریق برگزاری مزایده‌های مکرر با شرایط پرداخت نقدی یا اقساطی محدود به فروش برسانند، پاسخگوی حجم ناهمگون دارایی‌های منجمد نبود. اصرار بر اینکه تمامی املاک با یک نسخه واحد و در بستر مزایده‌های سنتی عرضه شوند، راه به جایی نبرد و بسیاری از مناقصات و مزایده‌های بانکی بدون دریافت پیشنهاد به پایان رسید.

برای شکستن این بن‌بست، قانون‌گذار در سال‌های اخیر رویکرد خود را از تشویق‌های بی‌اثر محتوا به سمت ضمانت اجراهای سنگین انضباطی و مالیاتی تغییر داده است. تهدید بانک‌ها به اعمال جریمه‌های مالیاتی سنگین، الزام به انتقال اجباری دارایی‌های مانده به نهادهای تخصصی مدیریت دارایی با کسر درصدی از ارزش دفتری، و برخوردهای انضباطی بانک مرکزی، هزینه نگهداری دارایی را کد را به نقطه سر به سر رسانده است. با این حال، تجربه نشان می‌دهد که صرف اعمال فشار و تنبیه بدون فراهم کردن بسترهای معاملاتی روان، تنها به فروش‌های اجباری زیر قیمت یا پنهان‌سازی‌های جدید منجر می‌شود. گره کور واگذاری اموال مازاد نیازمند تحول در ابزارها و گذار از مدل‌های سنتی به سازوکارهای نوین بازار سرمایه است تا رغبت اقتصادی واقعی برای خریداران و امنیت خاطر قانونی برای مدیران بانکی همزمان تامین شود.

### راهکارهای نوین بازار سرمایه و چشم‌انداز اصلاح ترازنامه

برون‌رفت از معضل انجماد دارایی‌های ملکی در نظام بانکی، مستلزم تغییر پارادایم از روش‌های سنتیِ روزنامه‌ای به سمت ابزارهای نوین مالی و ظرفیت‌های عمق‌بخشِ بازار سرمایه است. نخستین و مهم‌ترین گام، تنوع‌بخشی به روش‌های واگذاری متناسب با ماهیت و ریسک دارایی‌هاست. اصرار بر یک نسخه واحد برای تمامی اموال کارساز نیست. دارایی‌های بانک‌ها باید به دسته‌های گوناگون تقسیم شوند؛ اموال تملیکی ناشی از مطالبات غیرجاری که دارای پیچیدگی‌های حقوقی و دعوای میان بدهکار و بستانکار هستند، باید به شرکت‌های تخصصی مدیریت دارایی منتقل شوند تا بانک از درگیری در دادگاه‌ها و مناقشات ملکی رهایی یابد و تمرکز خود را معطوف به اعتبارسنجی و عملیات تخصصی بانکی کند. در مقابل، املاک تجاری، اداری و زمین‌های مرغوب بانک‌ها می‌توانند از طریق ابزارهای نوین بازار سرمایه ساماندهی شوند.

استفاده گسترده از صندوق‌های سرمایه‌گذاری تخصصی در بورس، نظیر صندوق‌های زمین و ساختمان و صندوق‌های املاک و مستغلات، یکی از کارآمدترین راهکارها برای آب کردن این کوه‌های یخ است. هنگامی که یک مجتمع تجاری بزرگ یا یک زمین وسیع متعلق به بانک در قالب واحدهای سرمایه‌گذاری خرد در بورس عرضه می‌شود، هم مشکل کمبود نقدینگی خریداران عمده حل می‌شود و هم آحاد مردم و سرمایه‌گذاران خرد می‌توانند به تناسب دارایی خود در منافع آن شریک شوند. این رویکرد ضمن ایجاد نقدشوندگی بالا برای دارایی‌های غیرمنقول، قیمت‌گذاری را از حالت محرمانه و بسته مزایده‌های سنتی خارج کرده و به شفافیت تابلوی معاملات بورس منتقل می‌کند. عرضه املاک در بورس کالا با کشف قیمت رقابتی، بالاترین صیانت را برای مدیران بانکی به همراه دارد، زیرا قیمت نهایی محصول شفاف عرضه و تقاضا در بازار است و هیچ‌گونه اتهام تبانی یا ارزان‌فروشی متوجه تصمیم‌گیرندگان نخواهد بود.

در نهایت باید توجه داشت که فروش املاک مازاد تنها داروی مقوی موقتی است و اگر با اصلاحات ساختاری در ریشه‌های شکل‌گیری ناترازی همراه نشود، چرخه معیوب انباشت دارایی‌های راکد در آینده تکرار خواهد شد. تزریق ناشی از فروش املاک به بهبود نسبت کفایت سرمایه و کاهش زیان انباشته بانک‌ها کمک می‌کند و با باز کردن مسیر اعطای تسهیلات به بخش مولد، فشار بر پایه پولی و رشد نقدینگی را مهار می‌سازد. اما همزمان، نظارت مستمر بانک مرکزی بر عدم شکل‌گیری دارایی‌های تملیکی جدید، اصلاح فرآیندهای اعتبارسنجی، پذیرش وثایق متنوع‌تر به جای ملک‌محوری صرف، و منطقی‌سازی نرخ سود در تناسب با متغیرهای کلان اقتصادی، پیش‌شرط‌های حیاتی برای تثبیت سلامت شبکه بانکی است. اگر عزم جدی سیاستگذار اقتصادی با بهره‌گیری هوشمندانه از بورس و انضباط پولی پیوند بخورد، نقدینگی منجمد نظام بانکی آزاد شده و خون تازه‌ای در رگ‌های اقتصاد ملی جریان خواهد یافت.

**آگهی مناقصه عمومی**

**صنایع شیمیایی شهدای پارچین در نظر دارد، کالاهای مشروحه ذیل را طبق مشخصات مندرج در اسناد مناقصه از تولیدکنندگان و تأمین‌کنندگان واجد شرایط از طریق مناقصه‌عمومی خریداری نماید.**

**۱-یارافین جامد مقدار ۵۰ تن**

**لذا از کلیه تولیدکنندگان و تأمین‌کنندگان دعوت به‌عمل می‌آید جهت دریافت اسناد مناقصه، نماینده شرکت با ارائه معرفی‌نامه و اصل فیش واریز وجه به مبلغ ۲/۵۰۰/۰۰۰ ریال به شماره حساب ۲۹۲۸۰۰۱۴۰۶/۷۸ بانک سپه شعبه پارچین به‌نام صنایع شیمیایی شهدای پارچین به آدرس ذیل مراجعه نمایند.**

**تهران، کیلومتر ۳۵ جاده خاوران، شهرستان پاکدشت، میدان شهید حاج قاسم سلیمانی، جاده اختصاصی پارچین، صنایع شیمیایی شهدای پارچین (معاونت بازرگانی، مدیریت تدارکات داخلی)**

**لازم به ذکر می‌باشد به پیشنهادات مشروط، فاقد سپرده، امضای مخدوش و سپرده‌های کمتر از میزان تعیین شده، چک شخصی و نظایر آن و همچنین پیشنهاداتی که پس از انقضای مدت مقرر در آگهی واصل شود مطلقا ترتیب اثر داده نخواهد شد.**

**- آخرین مهلت دریافت اسناد مناقصه: ۱۴۰۵/۰۸/۲۵**

**- آخرین مهلت تحویل پیشنهادات فنی و مالی: ۱۴۰۵/۰۸/۲۵**

**در ضمن هزینه درج آگهی روزنامه بر عهده برنده مناقصه خواهد بود.**

**جهت کسب اطلاعات بیشتر با تلفن های: ۳۶۰۷۶۰۱۷ و ۹۱۰۷۵۸۱۳۸۵**

**معاونت بازرگانی صنایع شیمیایی شهدای پارچین تماس حاصل فرمایید.**